

متن پرسش

سلام و عرض ارادت. استاد عزیز! در این روز عزیز عید غدیر شما را بخدا قسم میدهم که جمع بسیاری از شاگردانتان و کسانی که حیات و تفکر دینی شان را مدیون لطف خدا و ارشادات حکیمانه شما بوده اند ، از این تحیر و اعجاب کم سابقه نجات دهید! در کنار بقیه اظهارنظرهای اخیر شما ، الان سوال ۶۰۶۲ در مورد عمق فاجعه ای که اشتباهات احمدی نژاد و مشایی به جریان انقلاب زد را خواندم. استاد عزیز! مختصر تعقلی که دارم را مدیون شمایم ولی ذره ای منطقی و استدلال در این جواب و کلا اظهارنظرهای سیاسی اخیر جنابعالی نمی بینم. من هیچ موقع نتوانستم مانند بعضی دوستان ، عاشق جناب مشایی شوم ولی نمی توانم بفهمم که دقیقا مشکل ایشان کجاست؟ — چرا دقیقا مشکلات فکری ایشان را نمی گوئید؟ چرا نقد مستند و منطقی در باره ایشان نمی کنید؟ چرا فقط بصورت کلی میگوئید که نزدیکی به ایشان باعث فاجعه شد؟ — استاد عزیز! شما را بخدا بصورت مستند و منطقی ایشان را نقد کنید تا ما هم متوجه عمق فاجعه شویم! استاد عزیز! شما را به امیرالمومنین قسم میدهم بگوئید کجای آقای مشایی آنچنان وحشتناک بود که آقای مصباح و اطرافیانش آنچنان حمله مهلک و کشنده ای به دولت کردند؟ یعنی معلوم نیست که همه اینها بازی اصولگرایان حزبی و جریان هاشمی بود؟ چرا قضایا را جور دیگری نمی بینید؟ چرا اینطور نمی بینید که فریب خوردن امثال اطرافیانش آقای مصباح ، باعث شد که به خاطر یک دستمال ، قیصریه ای را به آتش بکشند؟ اصلا به فرض که احمدی نژاد صد در صد تحت تاثیر آقای مشایی! شما را به رسول الله بصورت مستند بفرمایید آقای مشایی چه مشکل عظیمی داشت که اینچنین باید دودمان او و هر که تحت تاثیرش قرار میگرفت ، به باد رود؟ یک مقدار هم احتمال بدهید که شاید عده ای فریب خوردند و تحت تاثیر القائنات شیطانی اقتدارگرایان ، بصورت افراطی به مشایی بدبین شدند! شاید عده ای تحت تاثیر هوای نفس قرار گرفتند و حسادت کردند که چرا به مشایی نزدیک شده و از ما دور شده! و در آخر ، کمی تامل کنیم که چگونه رهبری که مراعات تازه کار بودن آقای روحانی را نکرد و همان ابتدا کارهای نابجا را بصورت عمومی تذکر دادند ، چرا در مقابل کسی که آقای مصباح میگفت بزرگترین خطر است و رمال است و فلان و چنان است ، همیشه تعریف میکردند که در خط انقلاب و شعارهای امام است؟ ... سؤال شماره ۶۱۰۳- آقای طاهرزاده لطفا منصفانه حرف بنیدحرف های آقای مصباح خلاف شرع بین بود ان تهمت ها را باردیگر بررسی کنید وببینید وبعد ان ها را با اه وناله های حضرت زهرا مقایسه کنید این جور نوشتن منصفانه نیست شما که حرف های امثال آقای فتاح را معیار قرار میدهیدوبه طلسم واین جور چیزها متوسل می شویدبهبتر است ملاک خود رارهبری قراردهید وعمق کم

مبانی معرفتی این اقایان را نگاه کنید و بدانید یکی از مشکل های دکتر کم بودن عمق معرفتی همین اقایان به اصطلاح اصولگرا بودیدلسوز بودندولی بانگاه امام به قضایا نگاه نمی کردند همین آقای فتاح که می گویدحتی درکاراجرای دربرخی مواردملاک های سست داشتند وروحي از غرب زدگی رادر ان می بینیدوقتی درتغییر ساعت ها که آقای رئیس جمهور اصرار بر تغییرندادن ان داشت آقای فتاح که مخالف نظر دکتر بود می گفت چون اتحادیه اروپایین کاررا میکند ما هم این کاررابکنیم.جناب آقای طاهرزاده چه توهینی ازآقای مشایی یاآقای احمدی نژاد درمورد علما شنیدیدازاین نوع حرف زدن های شما انسان اتش می گیرد امیدوارم منصفانه صحبت کنیدوبدانید اساس این عالم براساس سنن جاری درهستی اداره می شود وحق همیشه ظاهر می شود پس منصفانه صحبت کنید.۳ حضرت استاد من کسی هستم که با اندیشه شما آشنا هستم واقعا بدانید که هرچه سخنرانی های آقای مشایی را گوش دادم اوراانسانی دلسوز ودلداه به ارمان های انقلاب یافتم.لطفا اگر تندیی دراین نوشته بود شما حلال کنید سؤال شماره۱۱۱-۶۱۱۱-سلام.استاد بنده در پرسش ۶۰۶۲ مطالبی مطرح کردم وشما جوابی عنایت فرمودید. اما خودتان هم می دانید جوابی که از شما انتظار می رفت را بیان نکردید وبر خلاف چیزی که فرمودید که کلی گویی به معنای مبهم گویی نیست ولی به واقع این گونه بود حتی شما نه تنها مشکلی را دراین باره از پرسش گر حل نکردید بلکه بدون حتی یک دلیل خواستید که ارادت ما نسبت به آیت الله مصباح زیاد شود که با قیاسی که در انتهای جوابیه فرمودید حتی به نظر حقیر از حد گذرانید آنجایی که بیان فرمودید:انتقادهای آیت الله مصباح و جایگاه آن انتقادها که به یک اعتبار شبیه آه و ناله ای بود که زهرای مرضیه«سلام الله علیها» در آن خطبه در مسجد مدینه سر دادند وقتی دیدند بسیاری از آرمان ها با حاکمیت خلیفه فرو ریخت!!واقعا ازچون شمایی خواسته ای این چنین بدون اقامه ی دلیل و صرف اتکا به چند تمجید و تاریخچه یک فرد اورا تا این حد سعی دارید که تزکیه کنیدبعید است!شما باز هم کلی گویی می کنید واین کلی گویی را ناشی از عمق فاجعه ای می دانید که احمدی نژاد برای انقلاب !!به وجود آورده است ان هم با نزدیک شدن شخص آقای مشایی به ایشان.جدای این مساله که به ادعای شما ازاین جهت که نزدیکی مشایی به احمدی نژاد از قبل تر از این حرفاست ومساله حاشیه ساز کردن آقای مشایی هم به قبل از دولت دهم برمیگردد باید این راهم پاسخ بگویید که مگر احمدی نژاد در دولت دهم چه فاجعه ای ایجاد کرد که شما حتی اجمال آن را هم نمی توانید بیان کنید!؟واز طرفی می گوئید که شما اگر از این زاویه بنگرید که آیت الله مصباح با چنین احمدی نژاد ی روبرو روشد قید همه چیز را زد واحمدی نژاد را بزرگترین خطر اسلام دید!دیگر به جزئیات حرفهای مشایی اعتنا نمی کنید وبه حرفهای آقای مصباح هم ایراد نمی گیرید!!!شما صراحتا این گزاره که هدف وسیله را توجیه می کند را تصدیق می کنید ومی گوئید چون مشایی این کار را کرد(صرف ادعا وابهام گویی)آقای مصباح هم هرگونه سخنان را وارونه کند ومطرح کند وصغری وکبری بچیند ونتیجه گیری کند وحکم به تکفیر وانحراف کند نباید به ایشان حتی ذره ای انتقاد کرد!!!!واقعا زمانی که جواب پرسش قبلی را خواندم وقتی به اینجا رسیدم به گمانم شاخ در آوردم !!آخر مشایی منحرف عامل

صهیونیست نمی دانم هرچه بد است از ایشان ولی آیا اخلاق به ما اجازه میدهد که سخن شخصی را وارونه کنیم و چیزی که اونگفته را به او منسوب کنیم وبعد نتیجه گیری کنیم استاد عزیز وقتی آقای مصباح این طور نقد می کنند و این مباحث را صرفا برای نقد مشایبی استفاده می کنند یعنی به این علل ایشان مشایبی را منحرف و عامل فاجعه می دانند و چیز دیگری ندارند حال اگر با بررسی به این برسیم که مقدمات این نتیجه گیری فاسد بوده است و خلاف واقع به این پی می بریم که استدلال ایشان پوچ بوده است و صرفا از روی احساسات بوده!جناب استاد این یک خطر است که شما می گوئید یک چیزی را که بویی از منطق نبرده را چون فلانی زده بپذیرید. من آنجا را می بینم که نسل جوان به اینجا برسند که شخصی مثل آقای مصباح حرف یک شخص معاصر را این گونه بیان می کند ورد و نقد میکند پس افکار و آرای فلاسفه ی غرب و مذاهب وادیان دیگر را هم به این شکل وارونه بیان می کنند وبعد حکم بر بطلان و پوچی آن نظریات و تئوری ها می دهند و به یک باره به همه چیز شک کنند (و این جای تامل بسیار دارد) و در جای دیگر فرمودید که: رهبر عزیز با آن دفاع هایی که آقای احمدی نژاد کردند امید داشتند بلکه او را از آن طلسمی که گرفتارش شده آزادش کنند. استاد عزیز این یعنی ابهام گویی به تمامه. شما واقعا حمایت های رهبر از احمدی نژاد را صرف رهایی از طلسم میدانید. آیا شما نبودید که در متن احمدی نژاد اولین خاکریز وقتی بحث سحر را پاسخ می گفتید و با آن مقابله می کردید صحبت دکتر را مطرح کردید که با بیان سحر و طلسم قدرت خدا را نادیده می گیرند و از این تیز بینی و عمق معرفت احمدی نژاد تمجید کردید. آخر چه شده شما را که هم آهنگ با اشخاصی شدید که ابتدا با آنها مخالفت می کردید؟؟ آخر آنهایی که بحث انحراف و سحر و این حرفها را مطرح کردند آخر به چه رسیدند که شما دنباله رو آنها شدید؟ حرفهای آقای مصباح آخر جز ایجاد تشت در مذهبی ها چه کار کرد و آیا ثمره این گونه مباحث و بی پروایی در بیان برخی مطالب را در انتخابات ۹۲ ندیدید که مذهبی ها و حزب الهی ها چگونه از هم جدا شدند و موقعیت برای همان جبهه ای که آقای مصباح بد می دانستند (جریان آقای هاشمی) فراهم شد آیا شما این را هم تقصیر احمدی نژاد ی که حتی حق داشتن کاندیدا در انتخابات نداشت می دانید و این همه بی انصافی علیه احمدی نژاد را محصور در آقایان لاریجانی و توکلی و مطهری می دانید که خطشان از سالها قبل مشخص بود و هیچ سهمی برای امثال آقای مصباح سپاه پاسداران و صداوسیما قوه قضاییه و... قائل نیستید؟؟ حضرت استاد این را حمل بر بی ادبی نکنید همان طور که شما آقای جوادی آملی را استاد خود می دانید و مورد احترام ولی مطمئنا در نظرات سیاسی زمین تا آسمان با ایشان تفاوت دارید کسی که آقای هاشمی و جریان ایشان را بارها حمایت کرده و شمایی که ایشان را حجاب انقلاب میدانید و این اختلاف را این نظرگاه بپذیرید. ولی دعوت شخصی به یک تفکر اگر بی منطق و استدلال باشد فقط صرف در نظر گرفتن جایگاه افراد باشد این پذیرفتنی نیست. و من الله توفیق

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: سعی می کنم در مورد عرضی که در جواب سؤال ۶۰۶۲ تحت عنوان «بصیرت

آیت‌الله مصباح در درک عمق فاجعه» داشته‌ام سه سؤالی که به عنوان اشکال به عرایضم از طرف رفقا مطرح شده است را یکجا در قسمت بالا قرار دهم و در آن رابطه آنچه احساس وظیفه می‌کنم و فکر می‌کنم برای رفقا مفید است عرض نمایم در حالی که خوب است جواب‌های مطرح در سؤال‌های شماره‌ی ۵۷۳۱ و ۵۷۹۷ مدّ نظر عزیزان قرار گیرد. ابتدا تأکید می‌کنم باور بفرمایید اگر احساس وظیفه نمی‌کردم که در رابطه با انتقادهایی که به آیت‌الله مصباح نسبت به دولت دهم می‌شود حقی نادیده گرفته می‌شود، عافیت‌طلبانه به راحتی از جواب این نوع سؤالات عبور می‌کردم و نه عزیزان را دچار چنین حیرانی‌ها می‌نمودم و نه خودم را دچار دردسر. همه‌ی تلاش بنده آن است که جایگاه مواضع آیت‌الله مصباح را به عنوان عالم مجاهدی که دغدغه‌ی حاکمیت اسلام و حفظ نظام را دارند و برای تحقق این هدف از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند □ هرچند ممکن است در مواضع جزئی تندروی‌ها و اشتباهاتی داشته باشند □ نادیده گرفته شود و در این رابطه سعی بنده آن است که با نگاهی همه‌جانبه به موضع‌گیری‌های ایشان نظر گردد و نه نگاه به موضوعات جزئی و ضعف‌های جزئی که در آن حرکت کلی پیش می‌آید و عموماً آفت نگاه ما به اصل موضوع می‌شود و قدرت تحلیل‌مان را به شدت کدر می‌کند. رفیقی به بنده اشکال می‌کند چرا دقیقاً مشکلات فکری آقای مشائی را مطرح نمی‌کنم؟ صرف نظر از آن که در جواب شماره‌ی ۴۹۴۷ به طور غیر مستقیم عرایضی داشتم، بنده از ایشان می‌پرسم چرا به جایگاه حضور آقای مشائی در کنار آقای احمدی‌نژاد نظر نمی‌فرمایید؟ بنده صحبت‌های آقای مشائی را خوب گوش دادم و پس از آن به خود آمدم که مواظب باشم طوری حرف‌های خوب نزنم که بقیه‌ی اهل فکر و نظر، بدجلوه کنند. آیا باید به جزئیات سخن یک فرد توجه کرد یا به خروجی آن نظر نمود؟ امیدوارم وارد جزئیاتی مثل برخورد امنیتی با افراد نشوید که به جرم نزدیکی به آقای مشائی با آن‌ها برخورد شد که بنده از این کارها بسیار دل‌خون هستم. سعی ما آن است که موضوع را خیلی بالاتر از این جزئیات بررسی کنیم. آن عزیزی که می‌فرمایند بنده منصفانه سخن نگفتم را نمی‌توانم بی‌انصاف بدانم ولی تلاش می‌کنم عزیزان را وارد نگاهی کنم که تصورم آن است آموزه‌های دینی به ما آن نگاه را داده و شاهد آن را این روایت رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» می‌دانم که می‌فرمایند: «حُبٌّ عَلِيٍّ حَسَنَةٌ لَا يَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ وَ بُغْضٌ عَلِيٍّ سَيِّئَةٌ لَا يَنْفَعُ مَعَهَا حَسَنَةٌ» دوستی علی حسنه □ ای است که با داشتن آن، سیئه‌زیانی نمی‌□رساند و دشمنی علی سیئه □ ای است که با وجود آن، حسنه سودی ندارد. شما اگر ملاحظه کنید این روایت به ما تذکر می‌دهد که به جهت کلی یک شخصیت بنگرید و ببینید مطلوب و محبوب خود را انسانی چون علی بن ابیطالب «علیه‌السلام» قرار داده یا نه؟ اگر چنین کرده است هرچند در جزئیات ممکن است با ضعف‌هایی نسبت به او روبه‌رو شوید ولی متوجه باشید این ضعف‌های جزئی، نباید نگاه کلی شما را نسبت به موضوع تحت‌الشعاع قرار دهد. بنده جهت‌گیری کلی آیت‌الله مصباح را نسبت به مشکلی که در دولت دهم در رابطه با نقش آقای مشائی پدید آمد، هوشیارانه می‌بینم و قبلاً هم عرض کردم این موضع‌گیری هیچ منافاتی با موضع‌گیری رهبری در تأیید آن دولت نداشت زیرا رهبری عزیز در مقابل منتقدین بی‌انصاف، از دولت

دفاع می‌کردند و سعی داشتند امتیازات آن دولت را که منطبق با آرمان‌های انقلاب بود و تا آخرین روزها آن دولت بر آن تأکید می‌کرد، نادیده گرفته نشود. ولی آه و ناله‌ی آیت‌الله مصباح از تغییر جهت بود که در دولت آقای احمدی‌نژاد به‌وجود آمد و یک‌مرتبه به بسیاری از جریان‌های دلسوز انقلاب و اصول‌گرایان واقعی پشت کرد، دولتی که امید همه بود و می‌توانست این امیدواری را دوچندان کند، همچنان که در دولت نهم با فعالیت‌های خود امیدواری را در بین نیروهای دلسوز به انقلاب شکوفا کرد، آن‌وقتی که عنان کار در دست آقای مشایی نبود و به‌گفته‌ی آقای محصولی در کنار دولت همه به یک چشم نگاه می‌شدند ولی در دولت دهم همه اقرار دارند که هرکسی باید با چشم آقای مشائی نگاه شوند وگرنه دیده نخواهند شد. تعجب می‌کنم از آن عزیزی که تصور می‌کند بنده ادعا دارم نباید به آیت‌الله مصباح و اطرافیان ایشان انتقاد کرد، در حالی که بنده سعی دارم با دیدن جایگاه موضع‌گیری‌های آیت‌الله مصباح در نظام اسلامی کمکی به دوستان کرده باشم تا در تحلیل جریان‌ها و آنچه در اطرافشان می‌گذرد دچار خطا نشوند. باور بفرمایید آن‌قدر که از انتقادهای دلسوزانه‌ی شما مسرور می‌شوم از تعریف و تمجید بعضی‌ها مسرور نمی‌گردم و همین را انتظار دارم که عزیزان با تفکر و تعقل و آزاداندیشی تمام با مباحث و نوشته‌های بنده روبه‌رو شوند، ولی اجازه دهید بنده از اظهار آنچه به نظرم برای تحلیل شما مفید است کوتاهی نکنم و جوگیر انتقادهای شما نگردم و با نظر به مظلومیتی که برای دولت آقای احمدی‌نژاد و شخص ایشان قائلم، از نقش آیت‌الله مصباح در درست‌دیدن دولت دهم و ضعف‌هایی که پیش آمد غفلت نکنم، ضعف‌هایی که باز عرض می‌کنم بسیاری از امیدها را به ناامیدی کشاند و سال‌ها برای بازسازی و ترمیم آن زمان نیاز است در حدی که بنده احساس می‌کنم متأسفانه کار به یأس و سرگردانی بعضی از جوانان انقلابی کشیده شده و می‌رود که با تحلیل‌های غلط کار به هلاکت بعضی از افراد کشیده شود. ظاهراً واژه‌ی «طلسم» که بنده در آن جواب به‌کار بردم مورد سوء تفاهم شده و تصور آن برادر عزیز آن است که بنده آن سخن را که گفته‌اند «آقای احمدی‌نژاد سحر شده» تأیید کرده‌ام. در حالی که بنده این واژه را به معنی عرفی آن به‌کار بردم که به معنای تحت تأثیر شدید قرارگرفتن است. اجازه دهید در آخر خاطرهای که از شهید مهدی عراقی از طریق نوار از صدای خودشان شنیدم عرض کنم شاید از این طریق مقصد اصلی خود را بتوانم برسانم. شهید مهدی عراقی که از یاران اصلی مرحوم شهید نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام بود می‌فرماید: مرحوم نواب از بعضی از حرکات آیت‌الله کاشانی و حرکات فرزندان و اطرافیان او دلگیر بود. یک روز در خانه‌ی مرحوم آیت‌الله کاشانی رفت و با تندی تمام هرچه دلش خواست به او گفت. و آیت‌الله کاشانی همچنان گوش دادند و جوابی ندادند. در حالی که حتماً می‌دانید در همان زمان حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» از همه‌ی حرکات آیت‌الله کاشانی و آنچه در اطراف ایشان می‌گذشت اطلاع داشتند و در جلسات ایشان در تهران نیز شرکت می‌کردند و ملاحظه کردید که بعد از انقلاب حضرت امام مکرراً از آیت‌الله کاشانی و کار بزرگ ایشان یاد می‌کردند. مشکل مرحوم نواب در این‌جا این بود که متوجه‌ی جایگاه و نقش تاریخی آیت‌الله کاشانی نبود در حالی که متوجه‌ی ضعف‌های

جزیی او بود. آنچه بنده با تمام وجود از دوستان می‌خواهم بر روی آن فکر کنند، موضوع نظام‌سازی است که رهبر عزیز انقلاب، امام خامنه‌ای «حفظه‌الله» بر آن تأکید دارند و در این راستا لازم است جایگاه افراد و حرکات و سکناات آن‌ها را نسبت به نظام مدّ نظر قرار دهیم تا گرفتار جزئی‌نگری نشویم وگرنه در مورد حضرت امام و رهبری هم که هرکدام اقرار به اشتباهی کردند که انجام دادند، دچار حیرت می‌شویم و متوجهی جایگاه تاریخی و تمدن‌ساز آن عزیزان نمی‌شویم، جایگاهی که باید فوق نظر به این اشتباهات کوچک مدّ نظر قرار گیرد. چیزی که ما در مورد دولت آقای احمدی نژاد همواره در نظر داشتیم و داریم و بنده انتظار دارم عزیزان در رابطه موضع‌گیری‌های آیت‌اله مصباح از این نگاه غفلت نفرمائید. حتی بنده معتقدم اگر با نظر به نظام‌سازی و انقلاب اسلامی و تمدن اسلامی، جایگاه افراد را در نظر بگیریم در مورد آقای هاشمی و تأیید نسبی ایشان توسط آیت‌الله جوادی، دچار افراط و تفریط نمی‌شویم که منجر به قبول یک‌جا و یا ردّ یک‌جا گردد. در آن صورت می‌توانیم جایگاه افراد و جریان‌هایی که حجاب انقلاب هستند و جایگاه آن‌هایی که وسیله و مقدمه‌ی رسیدن انقلاب به اهدافش می‌باشد را درست تحلیل کنیم. موفق باشید.